**تقاضای مشروطیت**

**محبوبی اردکانی، حسین**

در اسناد متعلقه به مخدومی آقای معاون الدوله غفاری نامه‏ایست بخط و امضای مرحوم شیخ مرتضی آشتیانی پسر بزرگ مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی مجتهد معروف و مشهور دورهء ناصرالدین شاه که ظاهرا به مظفرالدین شاه نوشته و در تقاضای مشروطیت با دیگر علماء هم‏آواز شده است منتهی تقاضای خود را با متانت عنوان و در آن استدلال‏ خوبی کرده است و عکس آن مضر و نامناسب و اگر من دنبال‏ هوی و هوس بودم چنین تقاضائی نمی‏کردم.نامه بدون تاریخ است‏ ولی از فحوای سخن برمی‏آید که هنوز مشروطیت داده نشده و وقایع‏ دورهء محمد علی شاه پیش نیامده بوده است.

مرحوم شیخ مرتضی مدتها و تا آخر عمر در مشهد اقامت داشت و از علمای با نفوذ ایران بود و در 28 ابان 1325 مطابق 24 ذی الحجه‏ 1365هجری قمری در آن شهر در 85 سالگی درگذشت.»

بسم اللّه الرحمن الرحیم بشرف عرض بندگان اعلیحضرت کیوان رفعت سلیمان حشمت‏ اقدس شهریاری ایدالله دولته و دام ظله العالی میرساند که بعد از استدعای مجدانهء عاجزانه‏ از حضور مبارک که بعین مرحمت خاصه تمامت این عریضه را من البدایة الی النهایه بنفس نفیس‏ مبارک قرائت فرمایند.

تصدیع افزای خاطر عاطر باریافتگان پیشگاه حضور مبارک شهریاری میگردد که در محضر شریف بندگان اعلیحضرت همایونی مشهود است که این دعاگوی صمیمی در زاویهء عزلت‏ خمول و در آین انقلابات کلیهء مملکت بحکم«مالکم و الدخول فی امر السلاطین»بر جاه حسن‏ عاقبت و ترقیب تسبیبات اصلاح ملک و ملت قناعت بشیوهء قدیمهء خود نموده و جز دعاگوئی‏ قدیمی طریق دیگر نپیموده و کلمه‏ای در باب استدعای اصلاح مفاسد حوادث واقعه در پیشگاه‏ مبارک همایونی عرضی بتوسیط عریضه ننموده هرچند تقریبا در دو سال قبل از این‏که از دعاگوئی‏ در اعتاب مقدسه مراجعت کرده بودم بتوسط بعضی از باریافتگان حضور مبارک همایونی‏ لسانا عرض نموده و برحسب خوابی که در بلدهء طیبهء کاظمین علیها الصلوة و السلام دیده بودم‏ و مأموریتی که از ناحیهء مبارکهء امام همام موسی بن جعفر ارواحنا فداه داشتم استدعای مجدانه‏ در اصلاح امور کرده بودم که حضور مبارک عرض شود و ظاهرا با جزما در پیشگاه همایونی از باب اعتیاد بمسامحات در ایصال عرایض و عدم فرق در عرایض راجعه بامور مهمه و غیرمهمه‏ که باعتقاد قاصر دعاگو بزرگ خیانتی است عرض ننموده‏اند.

اینک چون گسستن رشتهء انتظام امر مملکت و تبدیل ترقب صلاح و حسن‏عاقبت به فساد و و خامت امر بل خوف اعدام نفوس و شخوص قاطبهء اصناف و طبقات رعایا از رجال ملت و دولت‏ و هتک ناموس و اعراض آنان از اقامهء برهان گذشته و بمرتبهء شهود و وجدان رسیده و تجافی‏ در چنین مقام و کف از عرایض صادقانهء راجعهء بدولتخواهی در این اوان گذشته از اینکه‏ بضرورت عقل بیرون از طریقهء ارادت قلبیه و دعاگوئی است بلکه علی الانصاف اقوی مرتبه‏ خیانت و معادانت معنوی منافی با فطرت اسلامیه و تحصیل رضای خاطر مبارک حضرت بنویه و اوصائه المرضیه است لازم دانست که بتوسط عریضه در پیشگاه همایونی استدعای توجه کاملهء ملوکانه در اصلاح مفاسد مشهوده نمایم که قبل از آنکه مرتبهء امکان اصلاح پای بر اوج امتناع‏ نهد و از طوق شریت خارج شود بذل توجهی شود و بیک جلوهء مرحمت مملکت به این‏ انقلاب مأمن قدس آید و مورد رشک و غبطهء معاندین از داخله و خارجه و مخربین مجمع انس.

حس اولیهء بشریت حاکم است که دعاگو اگر ملاحظهء خصوصیات شخیصه خود را نمایم‏ و تابع هوا شوم از باب اینکه استیداد از برای قاطبهء رؤسایی ملک و ملت به ملاحظهء نیل به‏ مقاصدشان بدون هیچ مانعی عموما مفید است و عنوان مقابلش مضر و بواسطهء اصلاحات مالیه‏ و عریضه و اتهامیه که بر دعاگو وارد آوردند در مبحث هرج و مرج سابق خصوصا بهیچوجه‏ نباید پیرامون مشروطه گردم و مذکر آن شوم.

فضلا از اینکه استدعای عاجزانه از پیشگاه همایونی در اقامهء آن نمایم.لکن از آنجائی که امروز اصلاح امور و انتظام رشتهء منقصمهء جهات مملکت را منحصر باعادهء معدوم‏ و اقامهء قیامت کبرای مشروطه میدانم و گذشته از آن اگر امور کما هو المحزوم به همین‏ منوال قلائل ایام دیگری بگذرد تمامت شخوص مملکت در معرض فنا و زوال واقع خواهند شد بلکه باصطلاح اهل علم نفس مملکت مصداق قضیهء سابقه الموضوع و مصدوقهء شهر معروف‏ «که نه از تاک نشان ماند و نه از تاک‏نشان»خواهد شد لذا استدعای عاجزانه از حضور مبارک همایونی دام ظله الشریف مینمایم که بحزم صائب ملوکانه توجهی فرموده و مرض عمومی‏ مهلک،مملکت را که بملاح آن مشهور دعاگو شده که منحصر است باعمال تریاق مشروطیت‏ و اجزاء قانون اساسی قبل از آنکه این تریاق روان بخش اقتضای تأثیرش بگذرد و موردی‏ از برای اعمالش نماند ارادهء سنیه باصدار دستخط آفتاب نمط بر اقامهء مجلس شورای ملی‏ صادر شود بلکه بعون اللّه و تأییده بمیامن توجهت کاملهء ملوکانه آب رفته بجوی آید و جمع‏ شتات گردد و این یک مشت رعیت مسلمان بدبخت در عهد امن و امان به دعاگوئی دوام دولت‏ و سلامت ذات اقدس همایونی خلداللّه ملکه عمری بفراغت مصروف نمائید و یقین دارم که حال‏ دعاگو در محضر مبارک بندگان همایونی مشهور است که اگر مشاهدهء حوادث متواترهء موحشهء مملکت به مرتبه‏ای به وحشتم نینداخته بود که کلیه ترقب بقاء زندگی و تعیش را خصوصا و عموما با بقاء این رشته از نظر نبرده و عما قریب تمامت ارکان مملکت را در عرضهء فنا و زوال‏ نمی‏دانستم بعرض این عریضهء صادقانه جسارت نمی‏ورزیدم و استدعای دادرسی و اغائه ملهوف از پیشگاه همایونی نمی‏نمودم و اگر این عریضه که ناشی از فرط دولتخواهی و کبد حراء است در محضر مبارک قابل جواب و اظهار مرحمت به صدور دستخط ملوکانه و مشمول عواطف‏ خسروانه باشد مستدعی است که در صدر آن به صدور دستخطی در اصلاح امر مفتخر شوم که‏ ارائه بقاطبهء اصناف رعایا شود و کلیهء آنها به جوامع وجودیه متشکر آیند.

چنانچه اگر ارادهء همایونی تعلق گیرد که حضورا هم شرفیابی حاصل شود و عرایض‏ مفصله دولت خواهانهء خود را نمایم در کمال اطاعت حاضر و شرفیابی حاصل خواهد شد و به‏ وجود مبارک پاسبان شرع و ملت و نگاهبان عوالم وجود و هویت حضرت امام عصر و ولی امر ارواحنا فداه و عجل اللّه فرجه قسم است که در عرایض مندرجه این عریضه مفصلهء صادقانه جز بذل مرحمت در اصلاح امر مملکت و ادامهء فیوضات وجود مبارک اعلیحضرت و ازدیاد شوکت‏ عرضی نداشته و ندارم.رجاء واثق از الطاف کاملا حضرت احدیث جل شأنه الاعلی آنست‏ که این عرایض صادقانه دولتخواهانه مشمول عین رضا و مرحمت و توجه خاصه ملوکانه گردد و مورد آثار مترقبه.

و عین الرضا عن کل عیب کلیله‏ کمان عین السخط تبدی المساویا

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع الاحقر الداعی مرتضی الفروی الاشعبانی عنی عنه.

جلال بقالی نائینی

نقش آفرین

یک نوگل هنرمند پژمرده و شکسته‏ بر روی پاره‏ای چوب همچون گیره نشسته! پیری رسیده زورش نابود گشته بودش‏ یکباره تار و پودش از یکدیگر گسسته! در بوستان قالی ایجاد کرده دستش‏ با رشته‏های رنگین گلهای دسته دسته‏ از کار او نکرده یکره گره گشائی‏ با پنجه‏ی هنر را صدها گره که بسته‏ افسرده و پریشان در نقش آفرینی‏ با شور این نوا را میخواند جسته جسته‏ نقش‏آفرین هستی این رسم کی بپاکرد؟ تا کوره‏گر خورد آب از کوزه‏ی شکسته

جزیرهء کیش(صفحه بعد)

در تاریخ جزیرهء کیش دانشمند محقق وحید مازندرانی با مراجعه به کتاب‏های انگلیسی‏ مطالبی فراهم فرموده‏اند که استدعا شد مرقوم دارند.این یک صفحه مقدمه است.